



تحلیل نقش عناصر تاریخی هویت ساز در تقویت حس تعلق مکانی شهروندی (مورد مطالعه: شهر گنبد کاووس)

رضا شعبان زاده نمینی^{1*}، سمیه احمدی نژاد، مرضیه خیرخواه

1- دانشجوی دکتری دانشگاه تربیت مدرس، (rezashbz@yahoo.com)

2- دانشجوی دکتری دانشگاه یزد، (So_ahmadinejad@yahoo.com)

3- دانشجوی دکتری دانشگاه تربیت مدرس، (z.kheirkhah66@gmail.com)

چکیده

در شهرهای معاصر، تضعیف هویت شهری منجر به تغییر مکانها گردیده که باعث از دست دادن و ضعف هویت مکانی گردیده است. حفظ بناهای تاریخی (تبلور رویدادهای شهری) احداث بناهای یادبود، حفظ اسامی و محلات و مکان های مختلف شهری، مهمترین شیوه های کالبدی، فضایی تقویت خاطره یک شهر به بار آمده است. هدف از این پژوهش تحلیل رابطه و نقش عناصر تاریخی هویت ساز در تقویت حس تعلق مکانی در میان شهروندان می باشد. روش تحقیق توصیفی-تحلیلی بوده است و برای آزمون فرضیات پژوهش 300 پرسشنامه طراحی و توزیع گردیده است و جهت تحلیل های علمی از آزمون های آماری از تحلیلهای همبستگی و رگرسیون در نرم افزار آماری SPSS استفاده گردید. نتیجه ی آزمون نشان داد که مقدار sig بدست آمده در آزمون فرضیات اول و دوم عدد صفر بوده و با 95 درصد اطمینان فرضیه ی دوم پژوهش تایید گردید. با توجه نتایج بدست آمده برج قابوس در شهر گنبدکاوس به عنوان یک عنصر تاریخی هویت بخش، نقش مهمی در جهت تقویت حس تعلق مکانی در میان شهروندان داشته و علیرغم وجود تنوع فرهنگی در این شهر وجود این بافت تاریخی نقش مهمی در پیوند میان شهروندان برقرار نموده است.

واژه های کلیدی: عناصر کالبدی، هویت شهر، بافت تاریخی، حس تعلق مکانی



مقدمه

هویت با مشخصات و ویژگی های یک مکان مرتبط بوده که بازگو کننده ی محیط کالبدی و اجتماعی آن می باشد. چیزی که تنها متعلق به یک مکان بوده و نه جای دیگر. هویت از طریق محیط طبیعی، عملکرد افرادی که در مکان ساکن هستند و تغییراتی که در آن مکان ها ایجاد می کنند شکل می گیرد (Lyn Dougherty, 2003). با توجه به اینکه هر مکانی ماهیت خاص خود را دارد، بنابراین تجربیات و ادراکات متنوعی را ارائه می دهند (Flint, 2006: 3). در شهرهای معاصر، تضعیف هویت شهری از طریق مفاهیم یکنواخت برنامه ریزی و توسعه منجر به تغییر و تبدیل مکان ها گردیده که این امر باعث از دست دادن و ضعف هویت مکانی گردیده است (Mohamad, 1998). هویت مکانی به معنی ارتباط و پیوند معنایی و ادراکی است که بین مردم و محیطی که در ارتباط با آن هستند شکل می گیرد. از دست دادن هویت، تضعیف عمیق معنایی، حس تعلق و گوناگونی در تجربیات مکانی را در پی خواهد داشت (Ujang, 2010).

در گذشته، هر سکونتگاهی ناگزیر برخاسته از کلیتی بود که خود را در پس زمینه تاریخی، فرهنگی، اجتماعی و محیطی هماهنگ و منسجم، برجسته می ساخت. انسان همواره هویت خود را به صورت تابعی از نقش و میزان مشارکتش در هویت بخشی به این سکونت گاه ها دریافت می کرد. امروزه "از دست رفتن مکان" حقیقتی است که نوعی سرگشتگی و بیگانگی را برای انسان به ارمغان آورده است (تابان و همکاران، 1390). امروزه، مناظر آشنا به سرعت تغییر کرده یا تخریب می شوند. نسل جوانی که در چنین شهرهایی زندگی می کنند، نمی توانند خاطرات جمعی را از محیط اطراف خود درک کنند (Siew-Wai Lim, 2000). همزمان با نیاز به وجود بستر کالبدی و اجتماعی مناسب برای تعامل اجتماعی و رویدادهای جمعی، لازم است شرایط مناسب برای ثبت خاطرات و انتقال آنها به نسل های بعدی وجود داشته باشد. در غیر اینصورت، خاطرات شهر به سرعت فراموش خواهند شد. ثبت و انتقال خاطرات نیز از دو جنبه اجتماعی-سیاسی و فضایی-کالبدی امکان پذیر است. عواملی مانند ثبات و تداوم سکونت، تعلق و وابستگی به مکان، جایگاه شهر در ادبیات و سینما، معرف زمینه اجتماعی-سیاسی حفظ و ثبت خاطرات شهر هستند و حفظ بناهای تاریخی (تبلور رویدادهای شهری)، احداث بناهای یادبود، حفظ اسامی و محلات و مکان های مختلف شهری، مهمترین شیوه های کالبدی-فضایی تقویت خاطره شهر هستند (میرمقتدایی، 1387). متأسفانه در شرایط کنونی که چهره شهرها با شتابی سرسام آور و بدون اندیشه با خیابان ها و دیگر مظاهر فناورانه زندگی مدرن تغییر می یابد، بافت های سنتی بیش از پیش مورد تهدید واقع می شوند. از جمله نتایج این تهدیدها در شهرهای تاریخی ایران بحران هویت شهری است. چرا که بافت تاریخی در ذات خود هماهنگ است، چون بصورت اندام وار و طی زمان شکل گرفته است، عناصر تشکیل دهنده آن هم پیوند هستند و یکدیگر را کامل می کنند. فضای کالبدی در این بافت ها سازمان فضایی زندگی نسل های گذشته را آشکار می کند و نشان می دهد که واحد مدنیت جدی و شایسته ای بوده ایم. این در واقع همان چیزی است که امروزه تحت عنوان هویت مطرح می شود (بلیلان اصل و همکاران، 1390).

در ایران پرسش از هویت در دوره های مختلف تاریخی طرح شده است. اهمیت و ضرورت حفظ آثار کهن نه به عنوان پدیده های نمادین، بلکه به دلیل شناخت سیر تحول و تکامل تاریخ شهرسازی و تمدن شهرنشینی، حفظ هویت و اصالت شهری و تبیین حیات شهری براساس شواهد علمی همواره مورد توجه بوده است (کیانی و همکاران، 1388). گنبدکاووس شهری است که دارای پیشینه ی تاریخی و فرهنگی غنی می باشد. هویت شهری وجه تمایز یک شهر از شهر دیگر بوده و موجب حس تعلق مکانی شهروندان و مشارکت آنها در توسعه ی شهر می شود، بنابراین هر یک از آثار تاریخی اعم از جغرافیایی و کالبدی شهر گنبدکاووس ریشه در تاریخ داشته و حتی بدون توجه به مضامین و مفاهیمی که این آثار بیان می کنند و فقط به خاطر این که میراث گذشته ما هستند، می توان از آنها به عنوان عناصر هویت بخش شهری یاد کرد. برج قابوس به عنوان یک عنصر تاریخی هویت بخش با قدمتی بالغ بر 1000 سال بصورت تک بنایی با ارزش به همراه ویژگی معماری منحصر به فرد خود در شهر جای گرفته است و به



عنوان نماد تاریخی این شهر شناخته می شود. با توجه به تنوع در بافت جمعیتی شهر گنبد کاووس و مهاجر پذیری این شهر در طی چند دهه ی گذشته تقویت حس تعلق به این شهر در میان ساکنین و نسل های بعدی مهاجرین و برقراری پیوند و وحدت میان اقوام امری مهم و همواره مورد توجه بوده است. بنابراین با توجه به اهداف و مسائل مطرح شده این پژوهش به دنبال پاسخگویی به این سوالات می باشد که، نقش عناصر کالبدی هویت بخش (عناصر تاریخی) در راستای تقویت حس تعلق مکانی در میان شهروندان گنبد کاووس چگونه است؟ و اینکه آیا رابطه و ارتباطی بین عناصر کالبدی هویت بخش (عناصر تاریخی) و تقویت حس تعلق مکانی در میان شهروندان گنبد کاووس وجود دارد؟

مبانی نظری:

هویت موضوعی پیچیده است، در هسته ی اصلی آن، اشاره به توصیف و یا مفهوم خود دارد، که ممکن است ترکیب نقش شخصی و صفات، عضویت در گروه های اجتماعی و یا طبقه و ارتباط به مکان های جغرافیایی باشد و شامل توصیفاتی است که بصورت درونی ایجاد گردیده و همچنین ممکن است از سوی دیگران تحمیل شده باشد. ممکن است تا حدی بر اساس ویژگی های واقعی تا حدودی در امیدها و آرمان، و تا حدی در تهدید فرصت ها باشد. مفهوم هویت مکان دارای سابقه طولانی و ریشه در کار پروشنسکی در دهه 1970 و 1980 دارد (Wright Clayton & Devine, 2010).

در زندگی همه ی ما مکان هایی وجود دارند که خود را بدون آنها نمی توان تصور کرد، خانه، محل کار، پاتوق خرید، محل قرارهای دوستانه و غیره... به گونه ای که وقتی درباره ی خود فکر می کنیم یا از خود حرف می زنیم، خودآگاه یا ناخودآگاه خود را در ارتباط با آنها تصور می کنیم یا در بیان خود به آن ها ارجاع می دهیم. این مکان ها برای ما دارای اهمیت می باشند و رابطه ای معنادار میان خود و آنها قائل هستیم. به نسبتی که با آنها داریم، به توقعات، خواسته ها، خاطرات و هر آنچه این نسبت را تعریف می کند یا تغییر می دهد اهمیت می دهیم. هر یک از این مکان ها بخشی از من را می سازند، آنچه روانشناسان بدان هویت شخصی می گویند (گلرخ، 1392).

از این رو، مکان یک مفهوم انتزاعی و ذهنی نیست، بلکه اولین قرارگاه ارتباط مستقیم با جهان و محل زندگی انسان است. به همین دلیل سرشار از معنا، واقعیت های کالبدی و تجربه های انسانی بوده و رابطه ی عاطفی عمیقی با انسان برقرار می کند (Relph, 2007). رلف با بیان ارتباط ادراک با تجربه از مکان، اعتقاد دارد که در حس مکان انسان ها مفهومی فراتر از خصوصیات کالبدی و عناصر کالبدی در یک مکان را درک می کند و به نوعی پیوستگی و ارتباط ممتد با روح مکان را احساس می نمایند (Cuthbert, 2006). مکان، مفهومی بیش از موقعیت یا خاستگاه دارد. مکان ها با معنی و احساسات بشری آمیخته اند، به تعبیر دیگر، مکان ترکیبی است از خاطره، تجارب حسی و روایت ها می باشند (Hauge & Jenkins, 2005). عده ای که شهر را یک اثر هنری و زیبایی شناسی می دانند هویت شهری را به وجود مکان ها و آثار تاریخی ارزشمند در یک شهر نسبت می دهند. آثار تاریخی، همراه خود، ابعاد اسرارآمیزی دارند که با تکیه بر تعلق فرهنگی فرد، برای وی فخر و غرور به ارمغان می آورند. آثار تاریخی ارزشمند، نمادی از اصالت و ریشه دار بودن و تفکر متعالی و فرارونده ما که آن چیزی جز حقیقت جویی و زیبایی جویی فرد انسان نیست به شمار می روند. در این دیدگاه، بناهای ارزشمند تاریخی، بیانگر اعتقادات و باورهای مشترک یک جامعه است که با تخریب و از میان رفتن آنها، اعتقادات و باورها بخشی از اصالت و ثبات خود را از دست می دهند. بی تردید آثار ارزشمند تاریخی بخشی از میراث جمعی یک جامعه است که حفظ و پاسداشت آن به معنای حفظ وجدان و خاطره جمعی مشترک است (غراب، 1390).

در خلق مکان های با معنا، نقش حافظه طراح از محیط های واجد معنا را نیز باید در نظر گرفت. دونینگ، با توجه به این مطلب بیان می کند:

اگر چه هر تصویر خاصی از مکان منحصر به فرد است، الگوهای به وجود آورنده قلمروها نیز برگرفته از این تصاویر ذهنی است: مکان مقدس، مکان محلی، مکان اجدادی، مکان مشترک، مکان تنهایی، مکان صمیمی، مکان گروهی، مکان هایی که در امتداد افق



امتداد می یابند و مکان هایی که محصوریت و حفاظت ایجاد می کنند (Downing, 2003). متمایز شدن خصوصیات یک مکان از مکانی دیگر باعث می شود که افراد ساکن احساس نمایند که مکان زندگی آن ها دارای کیفیات خاص است و ضمن علاقه به آن، تمایل به تامین نیاز در داخل محدوده آن مکان داشته باشند (Holloway & Hubberd, 2001).

تعریف مفاهیم:

هویت شهری

یک شهر نیز به عنوان مجموعه ای از ترکیب عوامل طبیعی، اجتماعی و محیط های شناخته شده توسط انسان، که در آن جمعیت ساکن متمرکز شده دارای هویتی خاصی است. هویتی که شهر را از سایر شهرها متمایز می سازد و به جمعیت ساکن در آن معنا می بخشد. این شخصیت و هویت خاص، با مؤلفه های متفاوتی تعریف و توصیف می شود. بر مبنای تفاوت شکل، محتوا و عملکرد. این مؤلفه ها که به نوعی ساختار ماهوی شهر را تشکیل می دهند، از شهری به شهر دیگر متفاوت اند. اگر این واقعیت پذیرفته شود که انسان از پدیده های ساخته خود (محیط بیرونی) متأثر می گردد، شهرها با تنوع هویتی شان تأثیرات گوناگونی را بر حیات جمعی شهروندان بر جای می گذارند (وارثی و همکاران، 1389، 23).

هویت شهر، هویت تحول مستمر انسان در محور زندگی جمعی است. شهرها و اجزاء عناصر آنها، ابزارهای فرهنگی موثری هستند که با نوعی سازگاری اجتماعی بی صدا، رفتار خود و جامعه را تشکیل می دهند. در این حالت، فضایی خلق می شود که افراد و جامعه بتوانند به نحو مطلوب هنجارها و رفتارهای خود را در آن سامان دهند. هویت شهری فرایندی از تعاملات، پیوندها، تعلق های محیطی و انسجام جمعی است که در شرایط مکانی و زمانی خاص مجال تکوین پیدا می کند. همچنانکه ارنست کاسیرر فیلسوف آلمانی تاکید دارد: هر پدیده از پیوند و وقوع حوادث و اتفاقات در بستر مکان بوجود می آید و در بعد زمان رشد و تکامل می یابد و این دو به منزله چارچوبی هستند که پدیده ها در آن شکل می گیرند و هیچ پدیده ای را نمی توان یافت که مقید به شرایط زمانی و مکانی نباشد. شناخت پدیده های انسانی نیز بدون درک و فهم دو عامل زمان و مکان که مشخص کننده ظرف و مظهر آن پدیده هستند، بی شک شناختی کامل و دقیق نخواهد بود. موضوع مهم آن است که مکان و زمان از اجزاء تشکیل دهنده و ویژگی بسیار مهم پدیده ها و ماهیت ها هستند. بنابراین می توان این دو را بخشی مهم از هویت هر وجود عینی و ذهنی دانست (معصومی، 1390).

مکان:

رلف بر این عقیده است که فهم مکان می تواند منجر به احیا و نگهداری مکان های موجود و خلق مکان های جدید گردد. بدون فهم جامعی از مکان که دربرگیرنده مشخصات انسانی است، مشکل می توان علت ویژه بودن بعضی از مکان ها را توضیح داد (Seamon & Sowers, 2008, 45). مکان به عنوان محل و جا (Cresswell, 2004) به عنوان محل تمرکز روابط اجتماعی و عمل اجتماعی و به عنوان قلمرو تجربه و معانی درک شده است (Wilson, 2003). بنابراین، آن طرز تفکرمان، آگاهی ها، روش و مسیر زندگی، ساختار اجتماعی و سلامتی ما را تحت تاثیر خود قرار می دهد. در هر دو بعد فردی و اجتماعی همچون یک کل، در فعل و انفعال با مکان منجر به ادراک، خلق عملکرد ذهنی، عقاید، مفاهیم، معانی و نشانه هایی از مکان ها و چشم اندازها می گردد (Lengen & Kistemann, 2012).

حس مکان دارای سطوح مختلفی است، هیومن پنج گونه حس مکان را معرفی کرده است که عبارت از ریشه داری عقیدتی، ریشه داری ناخودآگاه، مکان نسبی، بیگانگی با مکان و بی مکانی است. جنیفر کراس نیز به تبعیت از هیومن حس مکان را ترکیبی از رابطه با مکان و حس حضور در اجتماع تعریف می کند. او رابطه با مکان را به صورت زندگی نامه ای، معنوی، اعتقادی، روایتی، مادی و وابستگی دسته بندی می کند. که با عواملی مانند هویت، درونیت و رضایت مندی پنج سطح مختلف از حس مکان یعنی ریشه داری منسجم، ریشه داری نامنسجم، بیگانگی با مکان، بی مکانی نسبی و بی مکانی مطلق را ایجاد می کند (Cross, 2001).

جدول 1: تقسیم بندی انواع تعلقات مکانی

تعلق به مکان	رضایت	سکونت	هویت محلی	نوع تعلق	تمایلات آتی
ریشه داشتن: منسجم	بالا، ارزیابی های مثبت	اینجا (فیزیکی، روحی، هیجانی)	قوی	بیوگرافی، روحی، ایدئولوژیکی	ادامه حیات
ریشه داشتن: نامنسجم	متغیر	اینجا و آنجا (فیزیکی، روحی، هیجانی)	گسسته	بیوگرافی، روحی، وابسته	متغیر
بیگانگی به مکان	پایین، اغلب ارزیابی های منفی	آنجا (فیزیکی، روحی، هیجانی)	ضعیف	وابسته	تمایل برای ترک، اما ناتوان برای انجام چنین کاری.
وابستگی	متغیر، نداشتن ریشه قوی در اجتماعی ویژه	هرجایی	متوسط	انطباقی، بیوگرافی، وابسته	زندگی در مکانی ایده آل، هرجایی که باشد.
بی مکانی غیر متعهد	متوسط	هرجایی / هیچ جایی	ضعیف	وجود ندارد	انتظارات ویژه ای در مورد مکان وجود ندارد.

منبع: (پیربابایی و سجاذاده، 1393، به نقل از Cross, 2005)

هویت کالبدی

هویت کالبدی به معنای صفات و خصوصیتی است که جسم شهر را از غیر متمایز کرده و شباهتش را با خودی آشکار می کند. این صفات باید به گونه ای باشد که جسم شهر، در عین حفظ تداوم زمانی، در حال تحول و تکامل نیز باشد و نهایتاً به پیدایش یک کل منجر شود. هویت کالبدی از نظر مفهومی با اصطلاحات "شخصیت" و "حس مکان" مترادف است (میرمقتدایی، 1383، 29). اما لویتکا در تعریفی هویت مکانی را آن قسمت از هویت شخصی می داند که در ارتباط با محیط فیزیکی است (Lewitka, 2008: 211). ویژگی های کالبدی و منظر نقش مهمی را در ایجاد حس تعلق مکانی بازی می کنند. آنها در ایجاد مکان هایی مشخص و خوانا برای کاربران کمک می کند که از سوی افراد قابل شناسایی، سازمان یافته و هدایت شده می باشد. مکان های خوانا قادر هستند در افراد درجهت شکل دهی به یک تصور واضح و صحیح از یک مکان کمک کنند (Ujang, 2010).

تعلق کالبدی به مکان:

تعلق به مکان، پیوندی است که بین افراد و محیط های معنی دار پیرامون آنها رخ می دهد (Giuliani et al, 2003). این نوع از تعلق، برگرفته از عناصر و اجزاء کالبدی مکان به عنوان بخشی از فرایند شناخت و هویت انسانی می باشد، ریجر ولاراکاس در مطالعات خود به نقش مهم و اساسی تعلق کالبدی اشاره و از آن با عنوان ریشه داری



یاد می نماید که بر اساس فرد محیط را به همراه عناصر کالبدی آن در شکل دهی معنای تعلق به خاطر می سپارد. علاوه بر آنها تیپور نیز به همراه گروه دیگر به بررسی خود از فضاهای عمومی در واحدهای همسایگی، با اشاره به عناصر کالبدی یاد می نماید که معادل تعلق کالبدی به مکان می باشد، قبل از این دو، پروشانسکی بر ضرورت توجه به عناصر کالبدی در محیط انسانی و نقش آن در شکل گیری و تداوم هویت فردی انسان اشاره می نماید. وی با تاکید بر نقش حس تعلق کالبدی در محیط به عنوان بخشی از هویت مکانی، آن را جزیی از هویت فردی و ناهیتا هویت اجتماعی افراد در محیط های مختلف می داند (جوان فروزنده و مطلبی، 1390).

تعلق مکانی به این معنا است که مردم خود را به واسطه مکانی که در آن به دنیا آمده اند و رشد کرده اند، تعریف می کنند. این ارتباط به طور کلی حس مکان نامیده می شود، مردم را به گونه ای عمیق و ماندگار تحت تاثیر قرار می دهد و خاطره، هویت و قدرت انسان را تقویت می نماید. در واقع احساس تعلق به مکان سطح بالاتری از حس مکان است که در هر موقعیت و فضا به منظور بهره مندی و تداوم حضور انسان در مکان نقش تعیین کننده ای ایفا می کند (فلاح، 1385، 60).

حس تعلق به مکان به معنای پیوند و رابطه قوی بین مردم و محیط اطراف خود و تمایل به حفظ این ارتباط با مکان در طول زمان و مراحل مختلف در زندگی خود می باشند. حس تعلق به مکان یک پیوند عاطفی قوی با مکان سکونت خود می باشد (Hernandez & et al, 2010). این پیوند عاطفی می تواند نسبت به مکان هایی که در اندازه و کارکردهای متفاوت توسعه یافته اند صورت گیرد: خانه، محله، شهر، تنظیمات تفریحی، اجتماعات، مکان های روستایی، و غیره. به یک معنای جغرافیایی، یک فرد ممکن است به مکان های محدود و یا گسترده ای از ویژگی بسیار متفاوت احساس تعلق داشته باشد، اما دل بستگی مکان، در میان دیگر متغیرها، از تحرک، طول اقامت، معانی مشترک و تعلق اجتماعی مطرح می شود (Hernandez & et al, 2007).

جدول 2: عوامل کالبدی حس مکان از دیدگاه صاحب نظران

نام	ویژگی ها
سالسون	شخصیت کالبدی، مالکیت، اصالت، ساکنین و وسایل رفاهی، طبیعت مانند آب، گیاهان، آسمان، خورشید و فضاهای خصوصی و جمعی، اجزای تشکیل دهنده مکان هستند که در خلق حس مکان موثرند
نوربرگ شولتز	حس مکان در مکان هایی یافت می شود که دارای شخصیت مشخص و متمایز هستند و شخصیت محیطی از چیزهای ملموس ساخته شده که دارای مصالح، شکل، بافت و رنگ است
لینچ	حس مکان عاملی است که میان انسان و مکان ارتباط برقرار کرده و وحدت به وجود می آورد. فضا باید هویت قابل ادراکی داشته باشد و قابل شناسایی، به یاد ماندنی و نمایان باشد تا حس مکان ایجاد کند که این نوع حس مکان می تواند حس تعلق نیز به همراه داشته باشد
ستالو	تعلق به مکان و رای تجربیات احساسی و قابل درک و شامل اعتقادات فرهنگی و فعالیتهایی است که انسان را به محیط پیوند میدهد.
جان جکسن	حس مکان، حسی است که فرد در نتیجه یک اتفاق یا سنت در درون خود میسازد و با حس بازیابی و خواندن دوباره وقایع، نگهداری میشود.

منبع: (سرمست و متولی، 1389)

منطقه مورد مطالعه

شهرستان گنبد کاووس با مساحت 2059 هکتار در بخش شرقی استان گلستان واقع شده است که از طرف شمال به جمهوری ترکمنستان، از طرف غرب به شهرستان های علی آباد، آق قلا و گرگان، از طرف شرق به شهرستان کلالة منتهی می گردد. مرکز شهرستان گنبد کاووس می باشد که جمعیت آن براساس سرشماری سال 1390، در حدود 144546 نفر بوده است. بافت جمعیتی گنبد کاووس را ترکمن ها، مهاجران ترکی آذری و اقوامی از خراسان، سمنان و سیستان و بلوچستان و ... تشکیل می دهند. این شهر به خاطر دارا بودن بلندترین برج آجری دنیا با همین نام که در قرن یازدهم میلادی بنا شده، معروف گردیده است. یادمانی برجسته از معماری ایران در دوره ی اسلامی، بلندترین و باشکوه ترین بنای آجری جهان از دید یونسکو در شمال شهر و

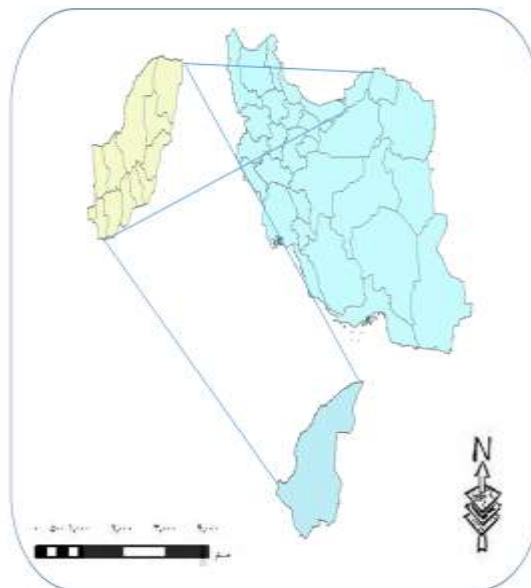


درون بافت آن قرار دارد. برج قابوس در قرن چهارم هجری به دستور سلطان قابوس بن وشمگیر بنا گردید، این برج در بافت شهر گنبد و ضلع شمالی آن بصورت میدانی بزرگ دیده می شود. این شهر در سده ی اخیر مرکز ترکمن صحرا محسوب شده و دومین شهر بزرگ استان گلستان پس از گرگان مرکز استان است. نقشه ی اصلی این شهر را کارشناسان آلمانی در زمان پهلوی اول مطابق اصول شهرسازی آن زمان طراحی کردند از همین رو خیابان هایش متقاطع بوده و فاقد معابر کم عرض است.

شکل 1: تصویر برج قابوس،



منبع اینترنت



نقشه شماره 1- موقعیت جغرافیایی شهر گنبد



روش تحقیق

برای انجام پژوهش پس از مطالعه ی نظری به بررسی وضع موجود پرداخته شده است و در این راستا از ابزارهای مطالعاتی کتابخانه ای و مدارک استفاده شده است. سپس با استفاده از ابزار میدانی پرسشنامه اقدام به جمع آوری اطلاعات از شهر مورد مطالعه نموده ایم. توزیع پرسشنامه نیز بصورت تصادفی در شهر مورد مطالعه صورت گرفته است که نهایتاً 300 پرسشنامه توزیع و جمع آوری گردید. روش انجام تحقیق روشی توصیفی، تحلیلی است که از تحلیل های آماری همبستگی و رگرسیون استفاده شده است. برای آزمون فرضیات، داده های حاصل از پرسشنامه ها پس از کدگذاری و رقمی کردن و استخراج اطلاعات لازم از آنها، ارزش گذاری صورت گرفته و نهایتاً تحلیل های آماری مورد نیاز در محیط spss انجام گردید.

اطلاعات و داده ها

آمار توصیفی ویژگی های فردی پاسخ گویان:

در شهر مورد مطالعه از مجموع 300 پاسخگو به پرسشنامه، (22/5) درصد زن و (76/8) درصد مرد بوده اند. شاید چنین به نظر رسد که توزیع پرسشنامه ها به لحاظ جنسیت ایده آل نبوده است، یکی از دلایل آن را می توان توزیع پرسشنامه در سطح شهر در فضاهای عمومی اشاره کرد. از لحاظ تاهل، (40/7) درصد مجرد و (58/6) درصد متاهل بوده اند. (35/4) درصد از پاسخگویان سطح تحصیلات خود را دیپلم، (7/9) درصد کاردانی، (43/7) درصد کارشناسی، (12/3) درصد هم کارشناسی ارشد و بالاتر ذکر کرده اند. از لحاظ شغل (10/6) درصد پاسخگویان بیکار، (12/6) درصد محصل، (21/0) درصد دارای شغل دولتی، (55/3) درصد شغل آزاد، بوده اند که در جدول شماره 3 قابل مشاهده می باشد.

جدول 3: آمار توصیفی افراد پاسخ گو

درصد	فراوانی	ویژگی های فردی		درصد	فراوانی	ویژگی های فردی	
31/8	96	25-15	سن	22/5	68	زن	جنسیت
39/1	118	35-26		76/8	232	مرد	
23/8	72	51-36		40/7	123	مجرد	وضعیت تاهل
4/6	14	+51	58/6	177	متاهل		
35/4	107	دیپلم	تحصیلات	10/6	32	بیکار	شغل
7/9	24	کاردانی		12/6	38	محصل	
43/7	132	کارشناسی		55/3	167	آزاد	
12/3	37	کارشناسی ارشد و بالاتر		21/0	63	دولتی	

مآخذ: (یافته های تحقیق)



تحلیل میزان پایایی سوالات:

به طور کلی پایایی یک وسیله ی اندازه گیری، عمدتاً به دقت و کیفیت نتایج حاصل از آن اشاره می کند یا می توان گفت پایایی به دقت، اعتماد پذیری، ثبات یا تکرار پذیری نتایج آزمون اشاره دارد. برای اندازه گیری پایایی یک پرسشنامه شاخصی به نام ضریب پایایی وجود دارد. این ضریب به اشکال مختلفی محاسبه می شود و مقدار آن بین صفر و یک در نوسان است. این ضریب هر مقدار به یک نزدیک تر باشد، پرسشنامه از پایایی بیشتری برخوردار است. روش های پایایی متنوع می باشد. در این تحقیق از روش آلفای کرونباخ (Alpha) استفاده شده است. روش آلفای کرونباخ نه تنها برای گزینه های دو ارزشی صفر و یک، بلکه برای گزینه های چند ارزشی (مانند طیف 5 گزینه ای لیکرت) نیز قابل استفاده است. هرچه مقدار آلفا به یک نزدیکتر باشد نشان از پایایی بیشتر پرسشنامه دارد. اگر مقدار آلفا بیشتر از 0/7 باشد پایایی خوب و اگر بین 0/5 تا 0/7 باشد پایایی متوسط و اگر کمتر از 0/5 باشد پرسشنامه فاقد پایایی لازم است.

جدول 4: پایایی

Reliability Statistics	
Cronbach's Alpha	N of Items
0.768	2

مآخذ: (یافته های تحقیق)

همانطور که در جدول بالا قابل مشاهده می باشد مقدار بدست آمده (0/768) می باشد که از مقدار 0/7 بزرگتر می باشد، بنابراین نتیجه می گیریم که داده ها از پایایی بالایی برخوردار می باشد.

آزمون و بررسی فرضیه اول:

در فرضیه ی اول به تحلیل وجود رابطه ی معنادار میان عناصر کالبدی هویت ساز (عناصر تاریخی) و تقویت حس تعلق مکانی در میان شهروندان گنبد کاووس پرداخته ایم. بدین منظور از آزمون همبستگی (پیرسون) استفاده گردیده است. همان طور که در جدول زیر قابل مشاهده است، مقدار sig عدد صفر می باشد و چون از مقدار آلفا (0/05) کوچکتر می باشد فرضیه نفی ما مبنی بر عدم وجود رابطه معنادار رد می شود و با 95٪ اطمینان فرضیه پذیرفته می شود، که نشان دهنده معنادار بودن رابطه ی بین متغیرهای ذکر شده می باشد. بنابراین بین عناصر کالبدی هویت بخش (عناصر تاریخی) و تقویت حس تعلق مکانی رابطه ی معناداری وجود دارد و فرض به نفع رد می شود.

جدول 5: همبستگی

	هویت شهری	حس تعلق مکانی
همبستگی پیرسون	1	.624**
هویت شهری	Sig. (2-tailed)	.000
	N	300
همبستگی پیرسون	.624**	1
حس تعلق مکانی	Sig. (2-tailed)	.000
	N	300

مآخذ: (یافته های تحقیق)



آزمون و بررسی فرضیه دوم:

به منظور بررسی دقیق تر فرضیه دوم، معیارهای مورد نظر مورد آزمون قرار گرفتند. برای آزمون فرضیه ی دوم به بررسی نقش عناصر کالبدی هویت ساز (عناصر تاریخی) در راستای تقویت حس تعلق مکانی در میان شهروندان گنبد کاووس پرداخته ایم. این فرضیه از طریق آزمون رگرسیون خطی مورد آزمون قرار گرفته است. مقدار sig بدست آمده در آزمون رگرسیون عدد صفر می باشد، و چون از مقدار آلفا (0/05) کوچکتر می باشد فرضیه نفی ما به نفع فرضیه رد می شود. بنابراین با 95٪ اطمینان می توان ادعا کرد که عناصر کالبدی هویت بخش (عناصر تاریخی) نقش موثری در راستای تقویت حس تعلق مکانی دارد.

جدول 6: رگرسیون، مأخذ: (یافته های تحقیق)

Model	Unstandardized Coefficients		Standardized Coefficients	T
	B	Std. Error	Beta	
(Constant)	15.064	1.545		9.753
هویت شهری	.598	.043	.624	13.777

نتیجه گیری

شخصیت یک شهر با مولفه های متفاوت تعریف و توصیف می گردد. بر مبنای تفاوت شکل، محتوی و عملکرد مولفه ها می توان شهرها را در گروه های مختلفی جای داد. این مولفه ها به نوعی ساختار ماهوی شهر را تشکیل می دهد. شهرهای مختلف می توانند بر مبنای موقعیت جغرافیایی، وضع سیاسی، ابعاد و اندازه هندسی، تعداد جمعیت، کیفیات بصری و زیستی و نحوه اندیشیدن شهروندان نشان از همدیگر متمایز شوند. بنابراین شهرها و اجزاء و عناصر آن می توانند هر کدام از صفات و ویژگی های فردی خاصی برخوردار باشند که معرف هویت آنهاست. هویت شهری وجه تمایز شهر از شهر دیگر است که موجب رشد و توسعه انسان، با ایجاد حس تعلق مکانی و مشارکت آنها در توسعه شهر می شود، ایجاد هویت در شهرها از طریق نمادهای طبیعی و انسانی امکان پذیر است. بی توجهی به هویت شهرها ممکن است عواقب ناخواسته ای را به پیکره ی حیاتی شهروندان وارد آورد. شناخت هویت شهرها (آن گونه که هست) می تواند تا حد زیادی به شناخت ویژگی هایی که خواست یک شهر است ختم گردد.

در این پژوهش سعی گردیده است بر روی یکی از مهمترین مسائل شهرها یعنی بحث هویت شهری و اثر آن بر تحقق حس تعلق مکانی شهروندان پرداخته شود. تاکید این پژوهش با توجه به منطقه ی مورد مطالعه (شهرستان گنبد کاووس) و ویژگی کالبدی آن توجه بر نقش عناصر تاریخی هویت بخش بر ایجاد حس تعلق مکانی در میان ساکنین می باشد. بافت های تاریخی به عنوان هویت و تبلور فرهنگ شهر در حفظ تعلق مکانی در میان شهروندان تاثیرگذار است. مهمترین ضرورت توجه به بنای تاریخی برج قابوس، علاوه بر اهمیت فرهنگی-تاریخی، اقتصادی-اجتماعی، باستان شناسی، تاکید بر اهمیت این بنا در ایجاد حس تعلق و همبستگی میان اقوام مختلف ساکن در این شهر می باشد.

در همین راستا پس از بیان مساله پژوهش و بررسی مبانی نظری پژوهش و ارائه ی سوالات و فرضیات تحقیق، به آزمون فرضیات تحقیق پرداختیم. در این پژوهش با توجه به هدف تعیین شده و درجهت پاسخگویی و تایید فرضیات خود پرسشنامه ای مطابق با شاخص ها و متغیرهای مطرح شده تنظیم گردید که نهایتا 300 پرسشنامه توزیع و جمع آوری گردید. با توجه به فرضیات پژوهش که به دنبال وجود رابطه معنادار و تاثیر دو متغیر هویت شهری و حس تعلق مکانی بودند از آزمون های



همبستگی و رگرسیون استفاده گردیده شده است. در فرضیه اول پژوهش مطرح شد که میان عناصر کالبدی هویت بخش (عناصر تاریخی) و تقویت حس تعلق مکانی در میان شهروندان گنبد کاووس ارتباط معنا داری وجود دارد. بنابراین از آزمون همبستگی جهت تایید یا رد این فرضیه استفاده شد. در این آزمون فرض صفر مبنی بر عدم وجود رابطه میان دو متغیر پژوهش رد شده و فرضیه اول تایید گردید. در فرضیه دوم پژوهش مطرح گردید که عناصر کالبدی هویت بخش (عناصر تاریخی) نقش موثری در راستای تقویت حس تعلق مکانی در میان شهروندان گنبد کاووس داشته است. بنابراین در جهت تایید یا رد این فرضیه از آزمون رگرسیون خطی استفاده گردید. نتیجه ی آزمون نشان داد که مقدار sig بدست آمده در آزمون رگرسیون عدد صفر بوده است و با 95 درصد اطمینان فرضیه ی دوم پژوهش تایید گردید. بنابراین با توجه به پژوهش صورت گرفته می توان نتیجه گرفت که وجود برج قابوس در شهر گنبد کاووس به عنوان یک عنصر تاریخی هویت بخش، نقش مهمی را در راستای تقویت حس تعلق مکانی میان شهروندان ایفا می کند و علی رغم وجود تنوع فرهنگی و قومی موجود در این شهر وجود این بافت تاریخی به عنوان یکی از عوامل موثر در پیوند میان شهروندان نقش مهمی را دارا می باشد.

مراجع

- [1] بلیلان اصل، ل؛ اعتصام، ا؛ اسلامی، س، ۱۳۹۰، نقش فضای بینابین در هویت بخشی به گستره ی فضایی بافت های تاریخی ایران، هویت شهر، شماره هشتم، سال پنجم، صفحات ۵۹-۷۱.
- [2] پیربایبی، م؛ سجاذزاده، ح، ۱۳۹۳، تعلق جمعی به مکان، تحقق سکونت اجتماعی در محله سنتی، هنر و معماری: باغ نظر :: بهار - ۱۳۹۰ شماره ۱۶، صفحه ۲۰.
- [3] تابان، م، پورجعفر، م، پورمند، ح، ۱۳۹۰، هویت و مکان، رویکردی پدیدارشناسانه، هویت شهری، شماره دهم، سال ششم، صفحات ۷۹-۹۰.
- [4] جوان فروزنده، علی، مطلبی، قاسم، ۱۳۹۰، مفهوم حس تعلق به مکان و عوامل تشکیل دهنده آن، فصلنامه هویت شهر، شماره هشتم، سال پنجم، صفحه ۲۷-۳۷.
- [5] سرمست، ب؛ متوسلی، م، ۱۳۸۹، بررسی و تحلیل نقش مقیاس شهر در میزان حس تعلق به مکان (مطالعه موردی: شهر تهران)، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۲۶، صفحات ۱۳۳-۱۴۶.
- [6] غراب، ن، ۱۳۹۰، هویت شهری، معاونت آموزشی پژوهشکده مدیریت شهری و روستایی، انتشارات سازمان شهرداری ها و دهیاری های کشور، صفحات ۷۸-۷۹.
- [7] فلاحت، م، ۱۳۸۵، حس مکان و عوامل تشکیل دهنده آن، نشریه هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، صفحات ۵۷-۶۶.
- [8] کیانی، ا؛ سالاری سردری، ف؛ افراسیابی راد، م، ۱۳۸۸، بررسی هویت شهری در بهسازی و نوسازی بافت های تاریخی (مطالعه موردی: شهر گور-فیروزآباد)، مجله علمی پژوهشی فضای جغرافیایی، سال دهم، شماره ۳۰، صفحات ۲۱-۴۳.
- [9] گلرخ، ش (۱۳۹۲) مکان و هویت شخصی: نقش محیط کالبدی در شکل گیری «حس خود»، شهر و معماری بومی. شماره ۳، صفحات ۹۷-۱۰۸.
- [10] معصومی، س، ۱۳۹۰، توسعه محله ای در راستای پایداری کلانشهر تهران، انتشارات جامعه و فرهنگ، صفحه ۵۸.
- [11] میر مقتدایی، م، ۱۳۸۳، معیارهای شناخت و ارزیابی هویت کالبدی شهرها، تهران، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۱۹، پاییز، صفحات ۳۸-۴۹.
- [12] میر مقتدایی، م، ۱۳۸۷، معیارهای سنجش امکان شکل گیری، ثبت و انتقال خاطرات جمعی در شهر. مطالعه موردی تهران، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۳۷، صفحات ۵-۱۶.
- [13] وارثی، ح؛ عامل بافند، م؛ محمدزاده، م، ۱۳۸۹، بررسی و تحلیل مؤلفه های هویت شهری و رابطه آن با میزان تعلق مکانی ساکنین شهرهای جدید (مطالعه موردی: شهر گلپهارد)، مجله پژوهش و برنامه ریزی شهری، سال اول، شماره دوم، صفحات ۳۶-۱۷.

[14] Cresswell, T., 2004. Place. A Short Introduction. Blackwell Publishing, Malden, Oxford, Victoria.



- [15] Cross, Jennifer E. 2001, What is Sense of Place, Prepared for the 12th Headwaters Conference, Western State College, November 2-4.
- [16] Cross, J. 2005. "What is Sense of Place", Research On Place & Space Website, 20Feb. Cuthbert, R. Alexander, 2006 , The Form Of Cities” ,Blackwell publishingv, Australasia.
- [17] Devine-Wright, Patrick, Clayton, Susan, 2010, Introduction to the special issue: Place, identity and environmental behavior, Journal of Environmental Psychology, Pages 267–270.
- [18] Downing, F. , 2003, Transcending Memory: Remembrance And The Design Of Place, Design.
- [19] Flint, C. (2006); Introduction to Geopolitics; Rutledge, Taylor & Francis Group.
- [20] Giuliani, M., Ferrara, F., & Barabotti, S. (2003). One attachment or more? Ashland, OH: Hogrefe & Huber.
- [21] Hague, Cliff, Jenkins, Paul ,2005 , Planning and place identity, In: Place identity, participation and planning, Routledge.
- [22] Hernandez, Bernardo, Marti´n, Ana M., Ruiz, Cristina, Carmen Hidalgo, M del, 2010, The role of place identity and place attachment in breaking environmental protection laws, Journal of Environmental Psychology, P 281–288.
- [23] Hernandez, Bernardo, Hidalgo, M. Carmen, Esther Salazar-Laplace, M. Hess, Stephany, 2007, Place attachment and place identity in natives and non-natives, Journal of Environmental Psychology, P310–319.
- [24] Holloway, Lewis & Hubbard Phil , 2001, "People and Place", Pearson education, England.
- [25] Lengen, Charis. Kistemann, Thomas, 2012, Sense of place and place identity: Review of neuroscientific evidence, Health & Place.
- [26] Lyn Dougherty, Dana, 2003, Embodying the city: Identity and use in urban p space, Thesis submitted to the faculty of the Virginia Polytechnic Institute and State University in partial fulfilment of the requirements for the degree of Master of Landscape Architecture, p 4.
- [27] Lewitka.M. 2008, Place attachment, place identity, and place memory; Restoring the forgotten city past, Journal of Environmental Psychology, No.28. pp 209-23.
- [28] Mohammed Abdullah E.S. 1998. “The integration of tradition and modernit : A search for an urban and architectural identity in Ar-Riyadh, the capital of Saudi Arabia”. Habitat International, Vol. 22, No.4, pp. 571-589.
- [29] Relph, Edward ,2007 , Prospects for places, In: The urban design reader, Michael Larice and Elizabeth Macdonald Ed, Routledge.
- [30] Ujang, Norsidah, 2010, Place Attachment and Continuity of Urban Place Identity, Asian Journal of Environment-Behaviour Studies, p 62.
- [31] Wilson, K., 2003. Therapeutic landscapes and first nations peoples: an exploration of culture, health and place. Health & Place 9, 83–93.
- [32] Scannell, Leila, Gifford, Robert, 2010, Defining place attachment: A tripartite organizing framework, Journal of Environmental Psychology 30. 1–10.
- [33] Seamon, David & Sowers, Jacob, 2008, Place and Placelessness, Edward Relph, Human Geography, London: Sage



سومین کنفرانس سالانه پژوهش های معماری، شهرسازی و مدیریت شهری

The third annual conference for research in architecture, urban planning and urban management



[34] Siew-wai lim, William ,2000 , Memories and urban places, City, Vol.4, No.2, pp 270-277.